

بررسی علل شکست غزوه احد از منظر قرآن و

سید محمد حجت


سید حسین حر
 عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهر

چکیده

جنگ احد یکی از غزوات سرنوشت ساز رسول الله ﷺ است که در سرنوشت اسلام و مسلمانان تأثیر به سزایی داشت.

پس از پیروزی مسلمانان در غزوه بدر، مشرکان قریش درصدد انتقام جویی از مسلمین برآمدند و لذا با جمعیتی گسترده در سال سوم هجرت مهبای حمله به مدینه شدند و غزوهی احد را به راه انداختند. به دستور رسول خدا ﷺ سپاه اسلام آماده کارزار شدند و اکثریت به ویژه جوانان به جنگ در بیرون از مدینه رأی دادند. پس از حرکت سپاه، عده‌ای از منافقان کارشکنی کرده و از مسلمانان جدا شدند.

هنگامی که سپاه اسلام در منطقه‌ی احد مستقر شدند، پیامبر ﷺ وعده پیروزی به مسلمانان دادند و در ابتدا نیز آنان پیروز شدند. اما به علت پاره‌ای از مسائل از جمله اختلاف در میان مسلمانان، عدم تبعیت از دستور رسول الله ﷺ به ویژه دنیاطلبی برخی از فراریان، زمینه را برای شکست آنان فراهم کرد. از دیگر سو،



شایعه‌ی کشتن پیامبر ﷺ در بحبوحه جنگ نیز مزید بر علت شد و به شکست و پراکندگی مسلمانان کمک کرد.

در این مقاله با استناد به آیات قرآن و متون تاریخی، این غزوه را مورد بررسی قرار می‌دهیم و به درس‌ها و عبرت‌ها و نتایجی که این جنگ برای مسلمین به ارمغان آورد نیز می‌پردازیم.

کلید واژه: غزوه‌ی احد، رسول الله ﷺ، مسلمانان، مشرکان، منافقان

مقدمه

پژوهش در سیره‌ی رسول خدا ﷺ و پی بردن به ابعاد گوناگون شخصیت ایشان و بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غزوات که با دشمنان در صدر اسلام صورت گرفت، حاوی نکات ارزنده‌ی تربیتی و اخلاقی است. از سوی دوم استناد به آیات قرآن برای بررسی روحیات مسلمانان و دلایل پیروزی با شکست آنان به ویژه شکست در جنگ احد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مجموع این عوامل مرا واداشت تا به بررسی غزوه‌ی احد از منظر قرآن و درس‌هایی که می‌تواند برای مسلمانان داشته باشد بپردازم.

روش تحقیق در این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای با تکیه بر منابع اصلی و درجه اول می‌باشد که برای فهم بهتر، از منابع درجه دوم و مطالعات و تحقیقات جدید نیز استفاده شده است.

شایان ذکر است که تدبیر و دقت در آیات الهی و پی بردن به مضامین آن ضرورت مراجعه به تفاسیر را ایجاب می‌کند و اهمیت آن را مضاعف می‌سازد. در این مقاله از تفاسیر متعددی نیز بهره گرفته شد و پس از بررسی آیات مربوط به غزوه احد پیام‌های آیات مورد توجه و به نکات تربیتی و پیامدهای این غزوه به تفصیل اشاره شده است. امید است مورد رضایت ایزدمنان و ساحت مقدس رسول اکرم ﷺ واقع شود.

غزوه‌ی احد

این غزوه در روز شنبه هفت روز از ماه شوال گذشته، در سی و دومین ماه هجرت اتفاق افتاد و رسول خدا ﷺ عبدالله بن ام مکتوم را در مدینه جانشین خود

قرار دادند^(۱)، و برای جهاد با مشرکان عازم منطقه احد شدند.

هنگامی که مشرکان قریش در غزوه بدر شکست مفتضحانه‌ای از مسلمین خوردند به مکه بازگشتند و برای انتقام از مسلمانان و جبران و تلافی شکست خود، در دارالندوه اجتماع کردند. و سود کاروان تجارتي که ابوسفیان از شام آورده بود و بزرگان قریش نیز در آن سهم بودند، برای جنگ با مسلمانان اختصاص دادند^(۲).

مشرکان قریش فرستادگانی به میان قبایل عرب گسیل داشتند تا آنان را به یاری خود فرا خوانند و در این کار پافشاری کردند تا اینکه جمعی از قبایل اطراف مکه و بنی کنانه و اهل تهامه برای جنگ با پیامبر ﷺ آماده شدند^(۳). قریشیان گروهی از زنان را نیز با خود بردند تا بر کشته شدگان بدر گریه کنند و یادشان را گرامی داشته و موجب انگیزش بیشتر مردان و مانع فرار آنان در جنگ شوند^(۴).

مشرکان که تعداد آنها سه هزار نفر و فرمانده آنان ابوسفیان بن حرب بود، از مکه برای جنگ با رسول خدا ﷺ و مسلمانان بیرون آمدند.^(۵)

مشورت رسول الله ﷺ با مسلمانان

پیامبر ﷺ با یاران خود درباره انتخاب محل جنگ مشورت کرد. عده‌ای از مهاجران و انصار بر این نظر بودند که در مدینه بمانند. و گروهی نیز که در جنگ بدر حضور نداشتند، ماندن در مدینه را نقطه ضعف برای خود تلقی کردند و خواهان جنگ در بیرون از مدینه با دشمن شدند. نظریه اکثر صحابه این بود که از مدینه خارج شوند، در این هنگام پیامبر ﷺ لباس رزم پوشید و مهیای جهاد با دشمنان گردید. در این موقع عده‌ای از انصار از اصرار خود مبنی بر جنگ با دشمن در بیرون از مدینه پشیمان شده برای عذرخواهی نزد رسول خدا ﷺ آمدند. ایشان فرمودند: هنگامی که پیامبر خدا ﷺ لباس رزم پوشیده شایسته نیست تا با دشمن جنگ نکرده آن را از تن بیرون آورد^(۶).

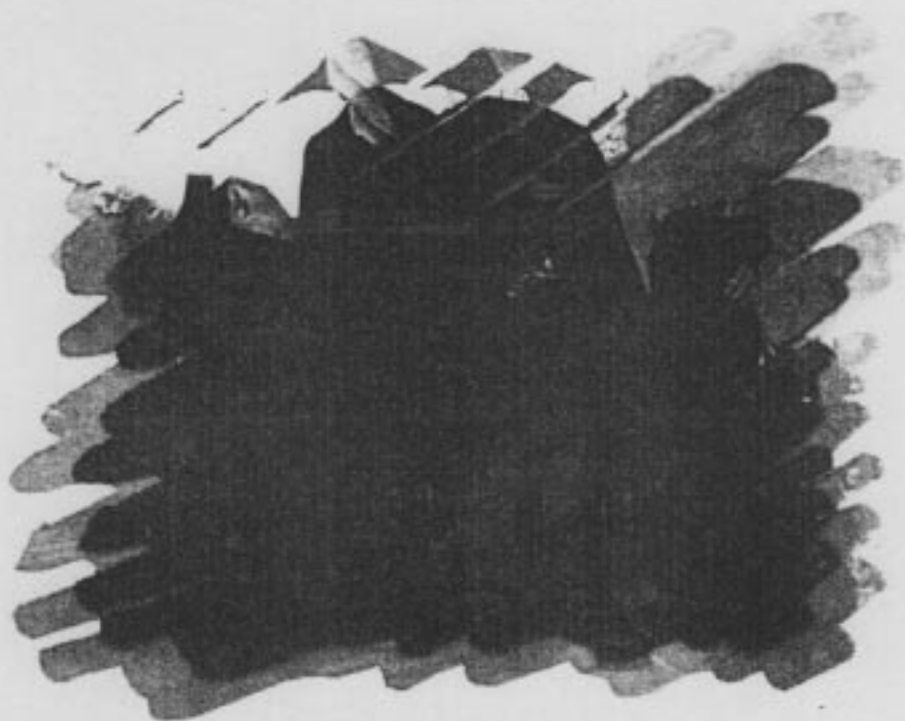
رسول خدا ﷺ با هزار نفر به سوی احد حرکت کردند و فرمودند: «اگر پامردی کنید ظفر یابید» در منطقه‌ای به نام «شوط» میان راه احد و مدینه عبدالله بن ابی بن سلول با سیصد نفر به بهانه اینکه رسول خدا ﷺ به نظر انصار توجه کردند و به نظر آنان بی توجهی شده از سپاه اسلام جدا شدند، و تعداد یاران

رسول خدا ﷺ به هفتصد تن رسید^(۷).

قرآن در این مورد چنین می‌فرماید :

﴿ وَاذْغَبُوا مِنْ أَهْلِكُمْ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ (آل عمران / ۱۲۱)

« و (به یاد آر) هنگامی که بامدادان (برای جنگ احد) از نزد خانواده ات بیرون شدی تا مؤمنان را در مراکزی برای جنگیدن جای دهی، و خداوند (به گفتار و کردار شما) شنوا و داناست..»



پیام‌های آیه :

- ۱- روزهای حساس گذشته را فراموش نکنیم و به عنوان سند تجربه، به یاد آوریم. (واذغبوا...)
- ۲- در آستانه‌ی جنگ باید از خانواده دل کند (واذغبوا من اهلک...)
- ۳- برنامه ریزی‌های فنی، جغرافیایی و طبیعی عملیات نظامی، باید قبل از حمله‌ی دشمن صورت گیرد (واذغبوا... تبوی)
- ۴- فرماندهی جنگ و انتخاب پایگاه‌ها و مناطق استراتژیک دفاعی، به عهده‌ی شخص پیامبر ﷺ و رهبر مسلمانان است^(۸). (تبوی المؤمنین مقاعد للقتال).



﴿ اذْهَبْتَ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَ اَللهُ وَكَيْهَمَا وَعَلَى اَللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. ﴾

(آل عمران / ۱۲۲)

«آنگاه که دو گروه از شما بر آن شدند که (در جنگ) سستی نمایند، اما خداوند ولی آنها بود(و به آنان کمک کرد که از این فکر باز گردند، پس مؤمنان تنها به خدا توکل کنند.»

دو گروه شامل «بنی سلمه» و «بنی حارثه»^(۱) بودند که می‌خواستند با عبدالله بن ابی باز گردند، اما خداوند آنها را مصون داشت. علت سستی و ترس این دو گروه، وسوسه‌های «عبدالله بن ابی سلول» سردسته منافقان بود که اصرار داشت باید به مدینه باز گردیم و با برپا داشتن سنگرها در آنجا، از شهر دفاع کنیم^(۲).
پیام‌های آیه:

۱- خداوند از تصمیمات ما آگاه است و پیامبرش را از افکار مردم آگاه می‌سازد (اذهمت)

۲- روزهای سخت و تجربه از آنها را فراموش نکنید. (اذهمت)

۳- همه‌ی کسانی که به جبهه جنگ می‌روند یکسان نیستند(طائفتان... ان تفسلا)

۴- وجود عناصر سست بنیاد در جبهه‌ها، عامل شکست و خطر است. (تفسلا)

۵- اگر انسان تحت ولایت خدا نباشد، سست می‌شود. (ان تفسلا والله ولیهما)

۶- خداوند مؤمنان را به حال خود رها نمی‌کند و در مواقع حساس دست آنان را می‌گیرد. (والله ولیهما)

۷- فکر گناه، اگر به مرحله‌ی عمل نرسد، انسان را از تحت ولایت الهی خارج نمی‌کند. (همت... والله ولیهما)

۸- یگانه داروی سستی، توکل بر خداست. که این دارو تنها در دست مؤمنان است. (وعلى الله فليتوكل المؤمنون)

۹- توکل بر خداوند، عامل پیروزی است^(۳). (همت... ان تفسلا والله ولیهما و



علی الله فلیتوکل)

رسول الله ﷺ در منطقه «شیخان» سپاهیان را سان دید و تعداد نه نفر نوجوانان کمتر از پانزده سال را بازگرداند، تنها به دو نفر از آنان با امتحان اجازه‌ی حضور در جنگ داد. پیامبر ﷺ نماز مغرب و عشاء را در شیخان و نماز صبح را در پای کوه احد به جای آوردند.^(۱۲)

رسول خدا ﷺ سپاه خود را آراست و آن را مرتب فرمود، و پنجاه مرد تیرانداز را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر تپه «عینین» گذاشت. ایشان احد را پشت سر خود و مدینه را رویاروی و کوه عینین را به سمت چپ، مشرکان مدینه را پشت سر و احد را پیش روی خود، قرار دادند.^(۱۳)

مشرکان نیز صف‌های خود را آراستند و بر میمنه سپاه خود «خالد بن ولید» و بر میسره عکرمه بن ابوجهل را گذاردند.^(۱۴) و پرچم خود را به «طلحه بن ابی طلحه» سپردند. از سوی دیگر رسول خدا ﷺ میمنه و میسره سپاه خدا را مشخص کرد و پرچم جنگ را به «مصعب بن عمیر» سپرد. آنگاه رسول خدا ﷺ به پا خاست و برای مردم خطبه خواند که قسمتی از آن چنین است: «... جهاد با دشمن سخت و گرفتاریش شدید است، کم اند افرادی که سعادت رفتن به جهاد را داشته باشند مگر آنانی که هدایت الهی شامل حالشان شود. همانا خداوند همراه کسی است که از او فرمان برداری کند و شیطان یار و همراه کسی است که از امر خدا سرپیچی کند، کردار خود را با صبر در جهاد آغاز کنید...»^(۱۵)

شروع جنگ

پیش از اینکه سپاه اسلام با مشرکان برخورد کنند، زنان مشرکان جلوی صف‌های ایشان بودند و دایره و طبل می‌زدند و اگر کسی از آنان به جنگ پشت می‌کرد، او را به بازگشت تشویق می‌کردند و کشته شدگان بدر را به یادش می‌آوردند. در این هنگام پرچمدار قریش «طلحه بن ابی طلحه» مبارز طلبید و امام علی علیه السلام به مقابله او رفت و او را به قتل رساند. رسول خدا ﷺ خوشحال شد و با صدای



بلند تکبیر گفت و مسلمانان هم تکبیر گفتند.^(۱۶) پس از وی سایر پرچمداران قریش به میدان رزم آمدند که هر کدام به دست مسلمانان به ویژه علی علیه السلام به هلاکت رسیدند.

همین که پرچمداران قریش یکی پس از دیگری کشته شدند، مشرکان روی به هزیمت نهادند و به هیچ چیز توجه نکردند و زنان شیون و زاری می‌کردند.^(۱۷) در ابتدای جنگ، پیروزی از آن سپاه اسلام بود و مشرکان مکه غنایم زیادی از خود بر جای گذاشتند. اما پس از مدتی افرادی که در تپه «عینین» تیراندازی می‌کردند، گفتند: به دنبال غنائم برویم، عده‌ای گفتند پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است که حتی اگر کشته شدیم، محل را نباید ترک کنید.

آنها گفتند: ایشان قبل از جنگ را گفته‌اند و الآن سپاه دشمن در حال از بین رفتن و اضمحلال است. باز گفته شد: تپه را رها نکنید و ادامه دهید. و آنها گفتند: جنگ دیگر تمام شده است، تپه را خالی گذاشتند، و به سراغ غنائم رفتند.^(۱۸) سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به تیراندازان کوه عینین این بود: « شما مواظب پشت سر ما باشید، چه می‌ترسم که از پشت سر حمله کنند، بنابراین شما در جای خود استوار بمانید و تکان نخورید، اگر دیدید که ما آنها را هزیمت دادیم و حتی وارد لشکرگاه آنها شدیم، باز هم از جای خود حرکت نکنید. حتی اگر دیدید که ما کشته شدیم، باز هم به فکر یاری و دفاع از ما نباشید، خدایا، من ترا برایشان گواه می‌گیرم...»^(۱۹)

آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن هراس داشت و واقع شد: سواران قریش از جنوب کوه عینین به سمت شرق حرکت کرده و کوه عینین را دور زده، در حد فاصل احد و عینین بر لشکرگاه مسلمانان که در دامنه احد بود حمله کنند. فضای باز منطقه به گونه‌ای بود که آنان از دور عینین را می‌دیدند و لحظه‌ای که سربازان از روی کوه پایین آمدند، سواران به سوی آن حرکت کردند.^(۲۰)

پس از اختلاف و دودستگی در میان تیراندازان، عبدالله بن جبیر گفت: مخالفت با فرمان خدا و رسولش نکنید، ولی تیراندازان (به جز ده نفر) برای جمع‌آوری غنیمت پایین رفتند. خالد بن ولید، فرمانده میمنه مشرکان به همراه عکرمه بن ابی جهل، با سواران خود تپه عینین را دور زده و به باقی مانده تیراندازان حمله‌ور



بررسی حال شکست غزوی احد از منظر قرآن

شدند و آنان را کشتند. و از پشت بر کسانی که مشغول جمع آوری غنیمت بودند، هجوم بردند^(۲۱). در این هنگام پرچم به زمین افتاده‌ی قریش را یکی از زنان به نام «عمره» دختر علقمه حارثی برافراشت و قریشیان که متواری شده بودند به دور پرچم جمع شدند.^(۲۲)

مسلمانان که در حال جمع‌آوری غنیمت بودند و انتظار چنین حمله‌ای را نداشتند، از هر سو روی به فرار نهادند و پراکنده شدند^(۲۳). در این هنگام ارتباط سپاه اسلام با فرماندهی (که به شدت در حال دفاع بود) قطع شد. گروهی به کوه احد و گروهی همچون عثمان به مدینه فرار کردند که وی مورد شماتت امّ ایمن قرار گرفت^(۲۴).

حمله دشمن آن قدر شدید بود که مسلمانان به جز چند نفر از ثابت قدمان، همگی پراکنده شدند؛ از جمله آنان، می‌توان علی رضی الله عنه، حمزه و مصعب و ابودجانة و غیره را نام برد که ماندند و با شهامت و شجاعت جنگیدند^(۲۵).

دلایل شکست مسلمانان در احد

قرآن در خصوص نکوهش مسلمانانی که به انگیزه دنیاطلبی و کسب غنائم سنگر خود را ترک کردند چنین می‌فرماید:

﴿ وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعِدَّهُ إِذْ تَحْسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرْسَلْنَاكُمْ مَاتُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مَنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَّفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ نُورٌ فَضَّلَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. ﴾ (آل عمران ۱۵۲)

« و قطعاً خداوند وعده‌ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می‌کشتید، تا آنکه سست شدید و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آن‌که خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غنائم) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی) و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا) پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است.»



اینکه فرموده: « و لقد صدقکم اللہ وعده » می‌خواهد صدق و عده‌ای را که از پیش داده بود (که شما اگر تقوا و صبر به خرج دهید سرانجام غلبه می‌کنید) تثبیت کند، و جمله «اذ تحسونهم باذنه...» می‌تواند ناظر به فتحی باشد که در آغاز جنگ خدای تعالی نصیب مسلمین کرد، و جمله: «حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم من بعد ما اریکم ماتحبون» ناظر باشد به عملی که تیراندازان کردند و در بین خود نزاع به وجود آوردند. یک عده گفتند باید فرمان رسول خدا ﷺ را اطاعت کرد، عده‌ای دیگر گفتند باید خود را به همراهان پیامبر ﷺ برسانیم، تا غنیمتی به چنگ آوریم، و این اختلاف ایشان را سست نموده و در آخر بیشترشان از رسول خدا ﷺ نافرمانی نموده و مراکز خود را خالی کردند، و بنابراین باید کلمه «فشلتم» را به ضعف رأی تفسیر کنیم، چون تفسیر آن به ترس، با وضع آن روز تیراندازان تطبیق نمی‌کند، چرا که ترس آنان رابه این کار وادار نکرد، بلکه طمع به غنیمت بود که از جای خود حرکتشان داد. ^(۳۶)

و فرمان پیامبر ﷺ را در حفظ آن گذرگاه حساس نادیده گرفتید، آن هم پس از آنکه پیروزی شما و شکست مشرکان و دست یافتن یارانتان به غنایم را که دوست می‌داشتید، به شما نشان دادیم ^(۳۷)!

واژه «اذن» در آیه مبارکه به معنای «اجازه و دادن اختیار به انسان در انجام کار و آسان ساختن آن» است و مفسران برآنند که واژه «باذنه» به این مفهوم است که شما «با علم و لطف خدا چنین می‌کردید».

همچنین مفسران معتقدند که پاسخ «اذا فشلتم...» محذوف است و اصل آن چنین است که: «آن هنگام که شما سستی ورزیدید و... خدا شما را آزمود و یاری خود را از شما برداشت.»

﴿ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ﴾

بخش نخست این جمله به کسانی اشاره دارد که سنگرهای خویش را رهاساختند و بر خلاف فرمان پیامبر ﷺ بر پایداری و حفظ آن گذرگاه حساس تا پایان کارزار، به گردآوری غنایم پرداختند. اما قسمت دوم، از گروهی سخن به میان می‌آورد که با فرمانده خویش «عبدالله بن جبیر» تا آخرین نفس پایمردی و

فداکاری کردند.

«ابن مسعود» گفته است: فکر نمی‌کردم هیچیک از یاران پیامبر ﷺ در پی دنیا و ارزش‌های آن باشد، تا اینکه این آیه شریفه فرود آمد و آن‌گاه بود که این حقیقت تلخ را دریافتم^(۳۸)!

﴿ تَمْ صَرْفَكُمْ عَنْهُمْ نَبِيِّكُمْ ﴾

در اینجا ورق برگشت و خداوند پیروزی شما را به شکست تبدیل کرد تا شما را بیازماید و تنبیه کند و پرورش دهد.

﴿ وَتَقَدَّ عَنَّا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴾

سپس خداوند همه این نافرمانی‌ها و گناهان شما را بخشید در حالی که سزاوار مجازات بودید، زیرا خداوند نسبت به مؤمنان از هر گونه نعمتی فروگذار نمی‌کند^(۳۹).



پیام‌های این آیه:

۱- معنای تحقق وعده‌های خدا، نادیده گرفتن سنت‌های الهی نیست. نصرت خداوند تا زمانی است که شما به وظیفه عمل کنید. (لقد صدقكم الله وعده... اذا فثلتم و تنازعتم)

۲- از جمله عوامل شکست، سستی، نزاع و عدم اطاعت از فرماندهی است. (فثلتم و تنازعتم و... عصیتم)

۳- افراد برای هدف‌های متفاوت جنگ می‌کنند. برخی برای دنیا می‌جنگند و بعضی



برای آخرت. (مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ)

۴- پایداری در نبرد، حفظ وحدت و اطاعت، نشانه‌ی آخرت خواهی رزمندگان است. (منکم من یرید الاخره)

۵- جزای کسی که به جای شکر نعمت پیروزی، به اختلاف و نافرمانی و سستی دامن زند، شکست است. (صرفکم عنهم)

۶- عامل شکست‌های بیرونی، درونی است. شما در درون سست و نافرمان شدید لذا در بیرون شکست خوردید. (فشلتم... صرفکم عنهم)

۷- شکست‌ها، وسیله‌ی آزمایش الهی هستند (لیبتیکم)

۸- هنگام تخلف و شکست نیز از لطف خدا مأیوس نشوید. (عفاعنکم)

۹- ایمان، بستر و زمینه‌ی دریافت فضل خاص خداوند است^(۳۰). (عفاعنکم واللّه ذو فضل علی المؤمنین)

۱۰- عفو از گناهکاران مؤمن، جلوه‌ای از فضل خداوند است (ولقد عفاعنکم واللّه ذو فضل علی المؤمنین)

۱۱- آزمایش و جداسازی صفوف مؤمنان حقیقی از غیر آنان، پرتوی از فضل الهی است. (لیبتیکم ولقد عفاعنکم واللّه ذو فضل علی المؤمنین)

۱۲- مؤمن را به مجرد یک گناه، نمی‌توان از صفوف اهل ایمان خارج دانست^(۳۱). (ولقد عفاعنکم واللّه ذو فضل علی المؤمنین)

شایعه‌ی کشتن پیامبر ﷺ

در جریان نبرد، «مصعب بن عمیر» به وسیله «ابن قمیثه» به شهادت رسید و چون پنداشت که پیامبر خداست پیش قریشیان رفت و گفت «محمد ﷺ را کشتم» و چون مصعب کشته شد، رسول الله ﷺ پرچم را به علی ﷺ دادند.^(۳۲)

در این هنگام کار مسلمانان به پریشانی و دشواری کشید و مصیبت‌های به بار آمد و دشمن به رسول خدا ﷺ راه یافت و سنگبارانش کرد و «عتبه بن ابی وقاص» دندان پیشین رسول الله ﷺ را شکست و روی او را مجروح ساخت و

لبش را شکافت و خون برگونه وی جاری شد، و «عبدالله بن شهاب زهري» پیشانی وی را شکافت و «عبدالله بن قمينه» گونه‌اش را مجروح ساخت، و دو حلقه از حلقه‌های کلاه خود در گونه‌اش فرو رفت، و رسول خدا ﷺ در یکی از گودال‌هایی که ابوعامر برای مسلمانان کنده بود افتاد. در این هنگام علی علیه السلام و «طلحه بن عبیدالله» پیامبر ﷺ را کمک کردند^(۳۳).

هنگامی که پیامبر ﷺ زخمی شد، خون بر چهره‌اش جاری گردید، می‌فرمود: «چگونه مردمی رستگار کردند که چهره پیامبر خود را خون آلود ساختند؟» او از دست ایشان به درگاه خدا می‌نالید^(۳۴). آیه ۱۲۸ سوره آل عمران در این زمینه نازل شد که تو مسؤول رستگاری مردم نیستی، ممکن است در آینده مورد عفو قرار بگیرند و ممکن است به حال خود رها شده و مجازات شوند.

یکی از عوامل مؤثر در تضعیف روحیه‌ی سپاهیان نشر اکاذیب و تبلیغات دروغ در میدان‌های نبرد است، دشمن مشرک از این حربه در اثنای نبرد احد استفاده کرد و قتل پیامبر ﷺ را در میان مسلمین منتشر ساخت و بر اثر آن، گروهی به فکر بازگشت به آیین بت پرستی افتادند که قرآن از آن با جمله «انقلبتم علی اعقابکم» تعبیر می‌آورد و گروهی راه مدینه را در پیش گرفتند و گروه سوم گفتند که اگر پیامبر کشته شد خدای پیامبر ﷺ زنده است و وظیفه اسلامی بر جای خود باقی است^(۳۵). قرآن به این قسمت از واقعه‌ی «احد» در آیه یاد شده در زیر اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴾ (آل عمران / ۱۴۴)

« محمد پیامبری بیش نیست و پیش از او پیامبرانی آمده‌اند و رفته‌اند، اگر بمیرد یا کشته شود به عقب (آیین شرک) باز می‌گردید؟ هر کس به عقب باز گردد خدا را ضرر نمی‌رساند، خدا سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. »

این آیه این حقیقت را به مسلمانان می‌آموزد و آن اینکه اسلام، آیین فرد پرستی نیست و به فرض که پیامبر ﷺ در این میدان شربت شهادت می‌نوشید وظیفه‌ی مسلمانان بدون تردید ادامه مبارزه بود، زیرا با مرگ یا شهادت پیامبر ﷺ اسلام پایان نمی‌یابد بلکه آیین حقی است که تا ابد جاویدان خواهد ماند. مبارزه

پیامبر ﷺ با فرد پرستی یکی دیگر از نشانه‌های حقانیت و عظمت اوست زیرا اگر او به خاطر شخص خویش قیام کرده بود لازم بود این فکر را در مردم تقویت کند که همه چیز، به وجود او بستگی دارد و اگر او از میان برود همه چیز پایان خواهد یافت، ولی رهبران راستین همانند پیامبر اکرم ﷺ هیچگاه مردم را به چنین افکاری تشویق نمی‌کنند، بلکه به شدت با آن مبارزه می‌کنند، و به آنها می‌گویند: هدف ما، از خود ما بالاتر است و هرگز با نابودی ما نابود نخواهد شد. (۳۶)

متأسفانه غالب تشکیلات جوامع اسلامی هنوز قائم به اشخاص است و به همین دلیل بسیار زود از هم می‌پاشد، مسلمانان باید با الهام از آیه فوق مؤسسات خود را آن چنان پی‌ریزی کنند که از اشخاص لایق کاملاً بهره‌گیری شوند، اما در عین حال وابسته به شخص آنها نباشد.

شایعه‌ی بی اساس شهادت پیامبر ﷺ در احد عده زیادی از مسلمانان را به وحشت افکند تا آنجا که از میدان جنگ فرار کردند. و حتی بعضی می‌خواستند از اسلام هم برگردند، در آیه فوق مجدداً برای تنبیه و بیداری این دسته می‌فرماید: مرگ به دست خدا و فرمان او است و برای هر کس اجلی مقرر شده است که نمی‌تواند از آن فرار کند، بنابراین اگر پیامبر ﷺ در این میدان شربت شهادت می‌نوشید چیزی جز انجام یافتن یک سنت الهی نبود، با این حال نباید مسلمانان از آن وحشت کنند و دست از ادامه‌ی مبارزه بردارند. (۳۷)

هنگامی که وجود مقدس پیامبر ﷺ از هر طرف مورد هجوم دسته‌هایی از ارتش قریش قرار گرفت. هر دسته‌ای که به آن حضرت حمله می‌آورد، علی رضی الله عنه به فرمان پیامبر ﷺ به آن‌ها حمله می‌کرد، و با کشتن برخی، موجبات تفرقه آنها را فراهم می‌ساخت. این جریان چند بار در احد تکرار شد. در برابر این فداکاری، امین وحی جبرئیل نازل شد و فداکاری علی رضی الله عنه را نزد پیامبر ﷺ ستود و گفت: «ای پیامبر خدا، جانبازی و برادری این است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: او از من است و من از اویم. جبرئیل گفت: من هم از شمایم» سپس ندایی در میدان شنیده شد که مضمون آن دو جمله زیر بود:



«لا سِيفَ الا ذُو الْقَارِ، لَا فِتَى الا عَلِيٌّ» یعنی شمشیر خدمتگزار شمشیر علی بن ابی طالب است و جوانمردی جز علی علیه السلام نیست ^(۳۸).

فرد دیگری که فرار نکرد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را یاری کرد «ابودجانه» بود، وی رشادت‌های فراوانی از خود نشان داد. طبق برخی از روایات به اندازه‌ای زخم بر بدن او وارد گردید که بر زمین افتاد. علی علیه السلام پیش آمد و او را به دوش گرفت و به گوشه‌ای برد.

دو نفر دیگر از انصار مدینه طبق برخی روایات، به نام‌های «سهل بن حنیف» و «عاصم بن ثابت» با کمال رشادت باقی ماندند و دفاع کردند. گرچه مورخان، عدد هشت نفر نیز نقل کرده‌اند، ولی آنان بعداً برگشتند و دفاع کردند، و ابتدا همگی به جز علی علیه السلام فرار کرده بودند ^(۳۹).

جانبازی یک اقلیت سبب شد که جان وجود مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خطر قطعی نجات یابد. خوشبختانه اکثریت دشمن تصور می‌کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کشته شد. و مشغول تفحص و گردش در میان کشته‌ها بودند تا بدن او را پیدا کنند، و حمله‌های اقلیتی که از سلامت پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه بودند، به وسیله علی علیه السلام و ابودجانه و چند نفر دیگر جواب داده می‌شد. بعد از مدتی «کعب بن مالک» که از مسلمانان بود، پیامبر را شناخت. فوراً فریاد کشید. «هان! مسلمانان! پیامبر این جاست او زنده است، و خدا او را از گزند دشمنان حفظ نموده است. چون انتشار زنده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله، موجب حملات مجدد می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که «کعب» جریان را پنهان بدارد، او نیز سکوت اختیار کرد. ^(۴۰)

در این حال رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه علی علیه السلام و عده‌ای دیگر خود را به داخل درّه احد و به کنار کوه رساندند. یکی از مشرکین به نام «ابی بن خلف» به رسول الله صلی الله علیه و آله حمله کرد ولی آن حضرت بازوبین او را زخمی کردند. وی در راه مکه از آن زخم کشته شد. در این موقع خالد بن ولید قصد حمله به پیامبر صلی الله علیه و آله را داشت ولی یارانش حمله‌ی وی را دفع کردند. کم‌کم آرامش برقرار شد و هنگامی که ابوسفیان آهنگ مکه کرد گفت: «امروز به جای بدر، پس ای هُبَل سرفراز

باش! پیامبر اکرم ﷺ فرمود بگویند: «الله اعلى و اجل: خدا برتر و بزرگوارتر است. کشته‌های ما در بهشت و از شما در دوزخ هستند.» ابوسفیان گفت: «ما عَزَى داریم» پیامبر ﷺ فرمود: بگویند: «خدا مولای ماست و شما مولایی ندارید.» در این هنگام ابوسفیان به سپاه خود فرمان بازگشت داد^(۴۱).

در این جنگ هفتاد نفر یا هفتاد و چهار نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند^(۴۲). یکی از جنایت‌های مشرکان پس از جنگ مثله کردن اجساد شهدا بود. هند جگر خوار و دوستانش اجساد شهیدان را پاره پاره کردند و گوش‌ها و بینی‌های آنان را بردند. و از اعضای مثله شده گردن بندی درست کردند و هند آن را به گردن خود آویخت. او سینه حمزه را شکافت و جگر وی را بیرون آورد و در دهان گذاشت ولی نتوانست بجود و آن را بیرون انداخت^(۴۳).

نتایج جنگ احد:

خداوند متعال درباره‌ی ضربه‌ای که مسلمانان در احد متحمل شده‌اند می‌فرماید:

(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (آل عمران / ۱۳۹)

«واگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید.»

این آیه شریفه در مقام ترغیب و تهییج مؤمنین است بر ثبات قدم در مقابل کفار و مشرکین و مقاتله با آنها و وعده نصرت و غلبه بر آنها لذا می‌فرماید سستی و مسامحه، در امر جهاد نکنید که این از آثار شجاعت و شهامت و ثبات قدم است، به ویژه با وعده نصرت الهی بر کسانی که ایمان و یقین داشته باشند که پیروز می‌شوند و غالب و چیره بر دشمن می‌گردند. و سستی و ضعف و مسامحه از آثار ترس است و موجب می‌شود که دشمن بر آنها غالب و چیره شود^(۴۴).

بعد از جنگ احد که به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی، برقوای اسلام شکست وارد شد، مسلمانان روحیه خود را از دست دادند، این آیه نازل شد که مبادا با شکست خود را ببازند، بلکه باید ایمان خود را تقویت کنند و در این صورت برتری از آنان است.

پیام‌های آیه:

۱- شکست موضعی در یک جنگ، نشانه‌ی شکست نهایی مسلمانان نیست.



(ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون)

۲- رهبر باید روحیه‌ها را تقویت کند. (وانتم الاعلون...)

۳- اگر به ایمان و اطاعت برگردید، در جنگ‌ها به پیروزی خواهید رسید. (وانتم

الاعلون ان كنتم مؤمنين)

۴- در سایه‌ی ایمان، می‌توان بر همه جهان غالب شد. (انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين)

۵- پیروزی و شکست ظاهری ملاک نیست، برتری به خاطر عقاید صحیح و تفکر

سالم اصل است. (وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين)

۶- در جهان بینی مادی، عامل پیروزی سلاح و تجهیزات است، ولی در بینش

الهی، عامل پیروزی ایمان است^(۱۴). (ان كنتم مؤمنين)

در آیه‌ی بعد برای اینکه از شدت ناراحتی مسلمانان بکاهد و به آنان قوت قلبی از

جانب خداوند عنایت شود، می‌فرماید، اگر در جنگ احد آسیبی به شما وارد شد،

مشرکان نیز متحمل آسیب و خسارت‌های شدند. اگر تعدادی از شما در این غزوه

شهید شدند، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده‌اند. اگر شما امروز در احد

پیروز نشدید، دشمنان شما نیز دیروز در بدر شکست خوردند. پس در سختی‌ها

بردار باشید. قرآن درباره آن چنین می‌فرماید :

﴿ اِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْاَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ

يَتَّخِذِ مِنْكُمْ شُهَدَآءَ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِيْنَ ۝۱۴۰﴾ (آل عمران / ۱۴۰)

« اگر (در جنگ احد) به شما جراحاتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در

جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است. و ما روزها (ی شکست و پیروزی) را در

میان مردم می‌گردانیم تا خداوند (با امتحان) کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم

دارد و از شما گواهانی (بردیگران) بگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد.

(گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند) »

﴿ وَتِلْكَ الْاَيَّامُ نُدَاوِلُهَا... ﴾ در این قسمت نخست اشاره به یکی از سنن الهی شده است

که در زندگی بشر حوادث تلخ و شیرینی رخ می‌دهد که هیچکدام پایدار نیست،

شکست، پیروزی، قدرت و ناتوانی همه در حال دگرگونی هستند، بنابراین نباید



شکست در یک میدان و آثار آن را پایدار فرض کرد، بلکه باید با بررسی عوامل و انگیزه‌های شکست از سنت تحول استفاده نمود و آن را به پیروزی تبدیل کرد. دنیا فراز و نشیب دارد و زندگی در حال دگرگونی است و « خداوند این ایام را در میان مردم به طور مداوم گردش می‌دهد» تا سنت تکامل از لابلای این حوادث آشکار شود.

سپس اشاره به نتیجه این حوادث ناگوار کرده و می‌فرماید (وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا...) اینها به خاطر آن است که افراد با ایمان از مدعیان ایمان شناخته شوند و به عبارت دیگر تا حوادث دردناک در تاریخ ملتی روی ندهد صفوف از هم مشخص نخواهند شد، زیرا پیروزی‌ها خواب آور و اغفال کننده است در حالی که شکست‌ها برای افراد آماده، بیدار کننده و نشان دهنده ارزش‌ها است.^(۴۶)

در جمله (وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ) می‌فرماید: یکی از نتایج این شکست دردناک این بود که شما شهیدان و قربانیانی در راه اسلام بدهید، و بدانید این آئین پاک را ارزان به دست نیاورده‌اید تا در آینده ارزان از دست بدهید، ملتی که قربانی در راه اهداف مقدس خود ندهد همیشه آنها را کوچک می‌شمرد، اما به هنگامی که قربانی داد هم خود او، و هم نسل‌های آینده او، با دیده عظمت به آن می‌نگرند و در پایان آیه می‌فرماید خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد، و بنابراین از آنها حمایت نخواهد کرد.^(۴۷)

در آیه بعد اشاره به یکی دیگر از نتایج طبیعی شکست جنگ احد شده، قرآن در این باره می‌فرماید:

(وَلِيَمَّحَصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ) (آل عمران / ۱۴۱)

« و (فراز و نشیب‌های جنگ برای آن است) تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص و کافران را (به تدریج) و محو و نابود گرداند.»

«تمحیص» به معنای خالص سازی از عیب و نقص است و این خالص سازی نتیجه شکست فرض شده می‌توان گفت که شکست مسلمانان باعث می‌شود که آنها عیب‌ها و نقص‌های خود را بشناسند و در رفع آن بکوشند.^(۴۸)

پیام‌های آیه:

- ۱- جنگ میزانی است برای شناسایی افراد پاک از اشخاص پوک. (لیمحص الله)
 - ۲- برای اهل ایمان، شکست یاپیروزی سعادت است. زیرا یا شهادت، یا تجربه، یا غلبه بر دشمن را به دست می‌آورد. (لیمحص الله الذین امنوا)
 - ۳- رشد و شکوفایی ایمان، محو و سرنگونی کفر، به مرور زمان و در طول تاریخ به دست می‌آید. (لیمحص... یحق)
 - ۴- آینده‌ی تاریخ به سوی محو و نابودی کفر است. (یمحق الکافرین)
 - ۵- شکست امروز مهم نیست، پایان کار اصل است^(۱۹). (یمحق الکافرین)
- غزوه‌ی احد مسأله بهشت در گرو جهاد و پایداری را به نمایش گذارد و عملاً تفهیم می‌کند که ایمان زبانی سودی ندارد، بلکه باید ایمان با کردار و ثبات در میدان نبرد همراه گردد، چنانکه می‌فرماید:
- ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران / ۱۴۲)
- «بلکه خیال می‌کنید که وارد بهشت می‌شوید و خدا می‌داند که کدام از شما جهاد کرده و بردباران را می‌شناسد.»

در مجموع آیاتی که در خصوص نتایج جنگ احد اشاره شد بیانگر نکات زیر است:

- ۱- پیروزی و شکست از سنت‌های الهی است.
- ۲- نبرد احد موجب بازشناسی مؤمن از منافق گردید.
- ۳- در این نبرد گروهی به آن درجه از کمال رسیدند که بر اعمال گروه دیگر شاهد و گواه شوند و در روز رستاخیز به عنوان شهداء الاعمال معروف می‌باشند.



- ۴- نبرد احد زمینه‌ی تصفیه‌ی مؤمنان از پلیدی‌ها را فراهم کرد و آنان متوجه نقایص خود شدند و در رفع آن کوشیدند.
- ۵- رسیدن به بهشت برین در گرو مجاهدت و پایداری است.
- ۶- نبرد احد موجبات جداسازی طیب (مؤمن) از خبیث (کافر یا منافق) را فراهم کرد.^(۵۰)

غزوه حمراء الاسد:

هنکامی که جنگ احد خاتمه یافت، این خطر وجود داشت که سپاه قریش به مدینه حمله کنند و مردم را قتل عامل نمایند. وجود مقدس پیامبر ﷺ این احتمالات را می‌دادند. لذا به امام علی ﷺ گفتند: در پی اینان برو ببین چه می‌کنند. اگر شتران را سوار شدند، آهنگ مکه دارند و اگر سوار بر اسب شدند آهنگ حمله به مدینه را دارند. به خدا قسم در مدینه نیز با ایشان خواهم جنگید. علی ﷺ به دنبال قریش رفت و سپس بازگشت و گزارش داد که آنان راه مکه را در پیش گرفتند^(۵۱). رسول خدا ﷺ برای خنثی کردن اقدامات احتمالی یهودیان و منافقین که از پیکار احد خوشحال شده بودند و جلوگیری از احتمال حمله مجدد سپاه مکه، به تعقیب آنها پرداختند. پیامبر ﷺ صبح روز یکشنبه هشتم شوال برخلاف زخم‌های زیادی که بر بدن خود داشت و بسیاری از یارانش زخمی بودند، به بلال حبشی دستور داد تا مردم را برای تعقیب دشمن فرا خواند و جز آنان که دیروز همراه وی بوده‌اند کسی دیگر او را همراهی نکند و تنها به جابر بن عبدالله انصاری که در احد شرکت نداشت اجازه همراهی داد، تا از کسانی که در امر دفاع شرکت نکردند سلب صلاحیت کند و روشن سازد که همراهان عبدالله بن ابی شایستگی چنین دفاعی را ندارند.

ایشان عبدالله بن أمّ مکتوم را به نیابت خود در مدینه گماشت و پرچم سپاه را به دست علی ﷺ سپرد و در حالی که زره و کلاه خود بر تن داشت از درب مسجد النبی سوار اسب خود شد و فرمود: دیگر تا فتح مکه مانند احد برای ما حادثه پیش نخواهد آمد. آن حضرت تا حمراء الاسد، در هشت میلی مدینه پیش رفت و سه روز در آن جا توقف کرد و برای ترساندن دشمن دستور داد در پانصد محل آتش برافروزند. و خداوند متعال بدین گونه دشمن را زبون ساخت. سپس چون





خبر بازگشت ابوسفیان به مکه را از طریق پیک خزاعی دریافت کرد به مدینه بازگشت^(۵۲).

شایان ذکر است، اگر چه مسلمانان در غزوه‌ی احد شکست خوردند اما مشرکان نیز به آنچه می‌خواستند نرسیدند، اول اینکه امنیت راه تجارتي آنان در مسیر شام تأمین نشد و همچنین خطر وجود داشت. ثانياً اینها در صدد بودند که بنیان نوپای حکومت اسلامی را متلاشی کنند که در این زمینه نیز به هدف شوم خود نرسیدند.

درس‌ها و نکات تربیتی غزوه‌ی احد با استناد به آیات قرآن:

- ۱- خداوند حاضر و ناظر اعمال ما است، پس در همه‌ی امور یاد و نام خدا را در ذهن داشته باشیم.
- ۲- از شرایط و دوران سخت چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی تجربیات مفید کسب کنیم.
- ۳- انگیزه‌ها و نیات افراد شرکت کننده در غزوات یکسان نیست.
- ۴- در شرایط گوناگون به ویژه در میدان جنگ عناصر سست بنیاد و ضعیف الایمان عامل شکست و خطرند.
- ۵- خداوند مؤمنان واقعی را در شرایط و مواقع حساس یاری می‌کند.
- ۶- برای مبارزه با سستی‌ها و نقاط ضعف و جلوگیری از تفرقه باید به خداوند توکل کنیم.
- ۷- امداد و کمک الهی به مسلمانان، در صورتی است که آنان مجاهدت و پایداری و پایداری در کارها و تقوا پیشه کنند.
- ۸- از وجود دشمنان اسلام و هجوم وحشیانه و خشمگینانه‌ی آنان در اعصار گوناگون غافل نشویم.



- ۹- پیروزی مسلمین مشروط به پیروی و تبعیت از دستورات خدا و رسول است.
- ۱۰- صبر و بردباری مسلمانان نباید از کفار کمتر باشد.
- ۱۱- حوادث تلخ و شیرین در زندگی پایدار نیست.
- ۱۲- معمولا در عرصه‌های سخت زندگی، به ویژه جنگ‌ها، مؤمنان واقعی از مدعیان ایمان بازشناخته می‌شوند.
- ۱۳- شهیدان در راه حق جان خود را ایثار کردند. برای اینکه ما از دین خدا دست بر نداریم.
- ۱۴- بی توجهی به دستورات پیامبر ﷺ از عوامل عمده شکست مسلمین است.
- ۱۵- برای مؤمنان واقعی شکست یا پیروزی سعادت است. زیرا یا در راه حق شهید می‌شوند یا تجربیات مفید به دست می‌آورند یا بر دشمن غلبه می‌کنند.
- ۱۶- سرنگونی جبهه کفر به تدریج صورت می‌گیرد، اما نابودی کافران حتمی است.
- ۱۷- ایمان قلبی، تنها برای پیروزی کافی نیست، بلکه تلاش و عمل و مجاهدت نیز ضروری است. بهشت را به بها دهند نه به بهانه.
- ۱۸- در همه‌ی شرایط صبر و مقاومت به ویژه در میدان جهاد لازم و ضروری است. چه در هنگام شروع جنگ و چه در عوارض و آثار بعد از جنگ، بردباری ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.
- ۱۹- با توجه به اینکه وظیفه‌ی پیامبر ﷺ ابلاغ پیام خداست، پس ما باید در همه شرایط تابع رسول الله ﷺ باشیم و راه ایشان را ادامه دهیم.
- ۲۰- جامعه‌ی اسلامی باید چنان استحکام داشته باشد که در هنگام مرگ رهبر، خللی در آن ایجاد نشود و دشمنان نتوانند به آن ضربه‌ای وارد کنند.
- ۲۱- کار دشمنان اسلام در اعصار مختلف، انتشار شایعه بوده است. پس مواظب حربه‌های آنان باشیم.
- ۲۲- جامعه اسلامی ﷺ نیز تابع سنت‌های الهی و قوانین طبیعی همچون مرگ و حیات است.
- ۲۳- حوادث تلخ و سخت زندگی نباید در ایمان ما خللی وارد کند.
- ۲۴- در صورتی که مردم از دین اسلام و پیامبر ﷺ دست بردارند، زمینه سقوط

و عقب گرد آنان فراهم می‌شود.

۲۵- اگر مردم در اعصار گوناگون کفر پیشه کنند به خداوند ضرری وارد نمی‌شود.

۲۶- استقامت ورزیدن در راه خدا بهترین شکر عملی است که خداوند پاداش آن را می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها :

- ۱) واقدی، مغازی، ج ۱- ص ۱۴۵
- ۲) ابن سعد، طبقات، ج ۲- ص ۲-۲۲۴
- ۳) طبری، تاریخ طبری، ج ۳- ص ۱۰۱۲
- ۴) طبقات، ج ۲- ص ۴۳
- ۵) یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۶
- ۶) ابن هشام، سیرت رسول الله ﷺ، ص ۳۲۴
- ۷) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۱۸-۱۰۱۷
- ۸) قرآنی، تفسیر نور، ج ۲ ص ۱۴۵
- ۹) تاریخ طبری، ج ۳ ص ۱۰۱۸
- ۱۰) ۱- طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲ ص ۲۶۴
- ۱۱) تفسیر نور، ج ۲ ص ۱۴۶
- ۱۲) مغازی، ج ۱ ص ۱۵۸-۱۵۷
- ۱۳) همان منبع، ص ۱۶۰
- ۱۴) طبقات، ج ۲ ص ۴۷
- ۱۵) مغازی، ج ۱ ص ۱۶۱
- ۱۶) همان منبع، ص ۱۶۴
- ۱۷) طبقات، ج ۲ ص ۴۹
- ۱۸) آئینه وند، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۷۶ و ۷۵
- ۱۹) مغازی، ج ۱ ص ۱۶۲
- ۲۰) جعفریان، سیره رسول خدا ﷺ، ص ۵۱۲
- ۲۱) منتظر القائم، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۵۲
- ۲۲) تاریخ طبری، ج ۳ ص ۱۰۲۶
- ۲۳) مغازی، ج ۱ ص ۱۶۸
- ۲۴) منتظر القائم، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۵۲
- ۲۵) حسینی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۲۲۷
- ۲۶) طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴ ص ۶۶، ۶۷
- ۲۷) ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲ ص ۵۵۵
- ۲۸) همان منبع، ص ۵۵۶
- ۲۹) جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۳ ص ۱۳۰
- ۳۰) تفسیر نور، ج ۲ ص ۱۷۶، ۱۷۵
- ۳۱) هاشمی، تفسیر راهنما، ج ۳ ص ۱۱۹
- ۳۲) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۲۸
- ۳۳) آیتی، تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، ص ۳۱۷ و ۳۱۸
- ۳۴) ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۳ ص ۹۸۹
- ۳۵) سبحانی، منشور جاوید، ج ۶ ص ۲۸۷
- ۳۶) تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۱۶
- ۳۷) همان منبع، ص ۱۱۸-۱۱۷
- ۳۸) ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۳ ص ۹۸۹
- ۳۹) رسولی محلاتی، تاریخ اسلام، ج ۱ ص ۱۲۰
- ۴۰) سبحانی، فراهی از تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، ص ۲۹۳
- ۴۱) تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۵۲، ۱۵۳
- ۴۲) مغازی، ج ۱ ص ۲۱۶
- ۴۳) تاریخ کامل، ج ۳، ص ۹۹۴
- ۴۴) طبیب، تفسیر اطیب البیان، ج ۳ ص ۳۶۶
- ۴۵) تفسیر نور، ج ۲ ص ۱۶۲، ۱۶۱
- ۴۶) تفسیر نمونه، ج ۳ ص ۱۰۹
- ۴۷) همان منبع، ص ۱۱۰، ۱۰۹

- ۴۸ تفسیر راهنما، ج ۳ ص ۹۰
 ۴۹ تفسیر نور، ج ۲ ص ۱۶۴
 ۵۰ منشور جاوید، ج ۶ ص ۳۹۴ تا ۳۹۶

- ۵۱ تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، ص ۱۵۲
 ۵۲ طبقات، ج ۲ ص ۵۸، ۵۹

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ابن هشام عبد الملک، سیرت رسول الله ﷺ، به انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳ ش
- ۲- واقفی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش
- ۳- یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ ش
- ۴- ابن سعد محمد، طبقات، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹ ش
- ۵- طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳ ش
- ۶- ابن اثیر عزالدین، تاریخ کامل، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۱ ش
- ۷- طبرسی ابوعلی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی گرمی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش
- ۸- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر العیاز، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش
- ۹- جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش
- ۱۰- قرآنی محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۱ ش
- ۱-۱ هاشمی رفسنجانی اکبر، تفسیر راهنما، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش
- ۲-۱ طیب سید عبدالصمد، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۴ ش
- ۱۲- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵ ش
- ۱۴- جعفریان، رسول، سیره رسول خدا ﷺ، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲ ش
- ۱۵- منتظر القائم اسفر، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، اسفهان، انتشارات دانشگاه اسفهان، ۱۳۸۴ ش
- ۱۶- آئینه وند صادق، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷ ش
- ۱۷- رسولی محلاتی سید هاشم، تاریخ اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش
- ۱۸- حسینی، علی اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش
- ۱۹- سبحانی جعفر، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۷ ش
- ۲۰- آیتی محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام ﷺ، تصحیح ابوالقاسم کرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش